

اگزستانسیالیسم و تئاتر

www.ketab.ir

یوسف فخرایی



حوزه هنری استان گیلان



اگزیتانسیالیسم و تناتر

یوسف فخرانی

مشاور گرافیک: رزیتا صفری صدیق

طراحی جلد: یاسین علوی

صفحه آرای: وحید باقری

چاپ: ۱۴۰۰

شماره: ۱۰۰

انتشارات: گیلان

سرشناسه: فخرانی، یوسف، ۱۳۴۵

عنوان و پدیدآور: اگزیتانسیالیسم و تناتر / یوسف فخرانی

مشخصات نشر: رشت: سپیدرود، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۸۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۵۹۴۲-۷

وضعیت فهرست نویسی: قیفا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: اگزیتانسیالیسم در هنر

موضوع: اگزیتانسیالیسم

شناسه افزوده: حوزه هنری گیلان

رده بندی کنگره: ND۵۹

رده بندی دیویی: ۷۵۹/۹۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۶۰۲۰۴



arguilan

فهرست

۷	یادداشت حوزه هنری گیلان
۹	مقدمه
۱۳	فصل اول: اگزستانسیالیسم
۱۳	مقدمه
۱۳	۱-۱ پیش‌درآمد تاریخی
۳۳	۱-۲ اندیشه فلسفی
۴۹	توضیح برخی منابع فصل اول
۵۳	فصل دوم: مفاهیم
۵۳	۱-۲-۱ آزادی- انتخاب- حدود آزادی
۶۶	۱-۲-۲ عمل و التزام
۷۶	۱-۲-۳ موقعیت
۸۴	۱-۲-۴ بیگانگی از طریق طرح
۹۲	۱-۲-۵ پوچی
۱۰۱	منابع توضیحی فصل دوم
۱۰۵	فصل سوم: تاثیر اگزستانسیالیستی
۱۰۵	۱-۳ نویسنده
۱۱۵	۲-۳ متن
۱۲۳	۳-۳ تماشاگر
۱۳۰	۴-۳ اجرا
۱۳۷	منابع توضیحی فصل سوم
۱۳۹	فصل چهارم: نقد و بررسی
۱۳۹	۱-۴ بررسی شیطان و خدا- سارتر
۱۴۹	۲-۴ نقد و بررسی کالیگولا- کامو
۱۵۹	فصل پنجم: اگزستانسیالیسم در ایران
۱۵۹	۱-۵ دیدگاه‌ها
۱۶۸	۲-۵ بررسی یک نمونه. «تیاله» اثر مصطفی رحیمی
۱۷۹	منابع

مقدمه

احساس من این است که فلسفه اگزیستانسیالیسم جدای از شرح و تفسیر و نظریه پردازی‌های ذهنی، تلاش صمیمانه‌ای است برای عینی کردن و به عرصه اجتماعی کشاندن دیدگاه‌های خاص فلسفی. احساس می‌کنم که این فلسفه فقط به تعریفی از «انسان» نمی‌پردازد؛ بلکه سعی می‌کند چهره او را در دنیای پر آشوب خود تصویر کند و جایگاه دشوار و غم‌انگیزش را در جهانی که گویی به آن پرتاب شده، نشان دهد. اگزیستانسیالیسم فلسفه اصالت انسان درگیر و در حال عمل است. انسانی که دیگر نمی‌تواند بگریزد و ناچار از انتخاب است و راهی ندارد جز آنکه با پذیرفتن مسئولیت اخلاقی انتخاب خود، در همین زندگی بی‌سامان دست به عملی بزند و به همه هستی خود نظم و سامانی ببخشد.

از این رو معتقدم که فلاسفه اصالت وجود تنها به فلسفه محض نپرداخته‌اند. آن‌ها از طریق نوشتن آثار ادبی نیز سعی کردند دیدگاه‌های خود را متقل کنند و تصویر انسان کنشمند در حوزه اجتماعی را به تصویر بکشند. این تلاش آن‌ها در کنار علاقه خودم به ادبیات باعث شد که خیلی زود با این فلسفه الفتی پیدا کنم که طی گذشت سال‌ها رشته‌های آن محکم‌تر شد، بنابراین انتخاب من برای آنکه

تصویری از این فلسفه و ارتباط آن را با مقوله ادبیات (تئاتر) نشان دهم، به همین احساس و نگاه بازمی‌گردد؛ به رابطه این فلسفه با زندگی، انسان درگیر با آن و جلوه‌های ادبی‌اش در داستان و درام.

در این اثر هدف من بیشتر نشان دادن ارتباط بین اگزیستانسیالیسم و مقوله ادبیات است، می‌خواهم نشان دهم که مضامین اساسی یک فلسفه با هوشیاری و تسلط بر نگارش هنری چگونه می‌تواند صورت یک قالب ادبی به‌خود بگیرد و به شکل داستان، رمان و نمایشنامه درآید. برای تحقق این امر فصل اول را اختصاص دادم به ارائه تاریخچه‌ای از این فلسفه و نیز اندیشه خاص و فلسفی این مکتب تا ضمن درک ریشه‌های فلسفه اصالت وجود، بتوانم تصویری هم از خود این فلسفه به‌دست دهم. مضامین اساسی اگزیستانسیالیسم را به فصل دوم مוקول کردم. مقوله‌هایی مثل انتخاب، آزادی، موقعیت، عمل، پوچی. و در فصل سوم به رابطه تئاتر با این فلسفه پرداختم و سعی کردم در قالب چهار بحث نویسنده، متن، اجرا و تماشاگر نشان دهم که ارتباط تنگاتنگی میان دیدگاه‌های ادبی و فلسفی نویسندگان اگزیستانسیالیست وجود دارد.

برای آن‌ها نویسنده، انسانی است که باید در متنی به‌وسعت جهان دست به انتخاب و عمل بزند. انتخاب و نگاه او دعوتی است از دیگری چه به‌عنوان مخاطبی که اثری را به تماشا نشسته و چه در مقیاس انسان‌هایی که آزادی و سرنوشت بشری آنجا به شکل سخت درهم تنیده شده است. در فصل چهارم در بررسی اجمالی از دو اثر برجسته نمایشی یعنی «شیطان و خدا» اثر سارتر و «کالیگولا» اثر کامو به ریشه‌یابی مقوله‌های اساسی این فلسفه در قالب شخصیت‌ها و تم‌ها پرداخته‌ام و سرانجام در فصل پنجم که در واقع مقدمه‌ای است بر فلسفه اگزیستانسیالیسم در ایران، تاریخچه و دیدگاه‌هایی چند در این رابطه را بررسی کرده‌ام. امیدوارم توانسته باشم تصویری از این فلسفه به‌دست دهم و اشتیاقی در دیگران برانگیزم و نشان دهم اگزیستانسیالیسم علی‌رغم اینکه با مقوله‌های خاص

فلسفی مرزهایش را مشخص می‌کند هنوز واجد ایده‌ای سراسر است و روشنی دربارهٔ انسان و اهمیت جایگاه او در عالم هستی و به‌طور معین در جامعه می‌باشد. شناخت این نگاه که از مسئولیت‌پذیری دشواری آکنده است می‌تواند ما را یاری دهد تا خود را و از طریق خود، دیگری و جهان پیرامونمان را بهتر بشناسیم.

«نیچه» در فلسفهٔ خود بحثی اساسی دارد تحت عنوان «ارزشیابی دوبارهٔ همهٔ ارزش‌ها» به این معنا که فرد آدمی باید در هر مرحله‌ای از زندگی‌اش بایستد و همهٔ ارزش‌هایی را که با آن‌ها پیش آمده دوباره مورد سنجش و آزمون قرار دهد؛ چراکه ممکن است خود ارزش‌ها که باید راهگشای آدمی در زیستنی اخلاقی در این جهان باشند، به مانعی بدل شوند که آدمی را از حقیقت وجودی‌اش دور کنند و او را به بیگانگی با خود بکشانند. اگزیستانسیالیسم در کوتاه‌ترین تعریف خود چیزی نیست جز همین توقف اندیشمندانهٔ آدمی و نگاه هوشیارانه و پراضطراب او به خود و واقعیت بشری‌اش. اگزیستانسیالیسم ارزشیابی هوشیارانهٔ انسان است از ارزش‌های خود در هر لحظه و در این جهانی که به آن افکنده شده است.

در پایان از کسانی که میل دارم از ایشان سپاسگزاری کنم، نخست باید از دکتر محمدرضا خاکی نام ببرم که با شکیبایی دست‌نوشته‌های مرا مطالعه کردند و رهنمودهایشان در پیشبرد کار همواره یاری‌گر من بود. همچنین از نصراله قادری که گذشته از معرفت و دانش نظری چونان دوستی بزرگ و ارزشمند همواره در کنار من ایستاد و مایهٔ دلگرمی من در چاپ مقالاتم شد و به این نوشته‌ها امکان خوانده شدن داد. و به‌ویژه به همسرمدیونم که صبورانه در کنارم ماند و زندگی و بیماری مرا تاب آورد و امکان باشکوه نوشتار من شد.